

گزارش «جوان» از آخرین تلاش‌های سردار شهید مجید خادمی برای وطن

سردار برای امنیت ایران خادمی کرد



نمای نزدیک

یادی از سردار شهید محمد کاظمی

چهره استراتژیک اطلاعاتی

حدود ۶ ماه پیش رژیم صهیونیستی در روز اول جنگ ۱۲ روزه، سردار محمد کاظمی، فرمانده اطلاعات سپاه پاسداران را در یک حمله تروریستی به شهادت رساند. با شهادت سردار محمد کاظمی، کشور عزیزمان ایران یکی از کلیدی‌ترین فرماندهان امنیتی خود را در میانه یکی از پر تنش‌ترین دوره‌های منطقه‌ای از دست داد. جایگاه وی، نه تنها به‌عنوان رئیس یک سازمان اطلاعاتی، بلکه به‌عنوان چهارم استراتژیک در نقشه‌برداری امنیتی ایران در برابر دشمنان داخلی و خارجی، بسیار مهم ارزیابی می‌شود. شهید کاظمی از معدود فرماندهان اطلاعاتی سپاه بود که با حفظ گمنامی، نقش مؤثری در شناسایی و خنثی‌سازی نفوذهای امنیتی ایفا کرد. تخصص اصلی او در حوزه ضابطاعات و تحلیل تهدیدات پیچیده بود. بسیاری از هم‌زمانش از او به‌عنوان فردی آرام، باهوش، بی‌حاشیه و متعهد به انقلاب یاد کرده‌اند. شهادت سردار سرتیپ پاسدار شهید محمد کاظمی، فقدانی سنگین برای ساختار امنیتی جمهوری اسلامی ایران بود. او نه تنها یک فرمانده اطلاعاتی موفق، بلکه نمادی از تعهد خاموش و بی‌ادعا در خط مقدم جنگ نرم و امنیتی بود. نام و راه او، الهام‌بخش نسل جدید فرماندهان خواهد بود؛ مردی از تبار سکوت که امنیت را برای دیگران به ارمغان آورد، حتی به قیمت جان خود. بسیاری از ناظران و کارشناسان امنیتی، او را معمار نوسازی امنیت اطلاعاتی سپاه در دهه ۱۳۹۰ ش می‌دانند. عملکرد او در مقابل به‌جریان نفوذ، تخلیه اطلاعاتی دشمن و آشکار سازی شبکه‌های وابسته، از جمله موفق‌ترین اقدامات حفاظتی در کشور ارزیابی شده است. باید گفت تلاش دشمن برای حذف فرماندهان و شخصیت‌های اطلاعاتی خود گویای این حقیقت است که این عزیزان در انجام وظایف حرفه‌ای خود موفق عمل کرده‌اند و توانسته‌اند دین خود را به امانت‌سازان نسل جوان فعال در میدان‌های نبرد اطلاعاتی با دشمن خواهند بود.

سرویس درگیر بودند و طرح و شیوه عمل آنان چگونه بود؟ آیا در میان دستگیر شدن گان، افرادی با تابعیت دوگانه یا ارتباط سازمان یافته با سرویس‌های خارجی شناسایی شده‌اند، گفته بود: «در این آشوب، سرویس‌های اطلاعاتی، نقشی بارز و البته مؤثر تر از همه داشتند. طراحی، توزیع نقش، شبکه‌سازی، آموزش، پشتیبانی اطلاعاتی و حتی هدایت میدانی آشوبگران عمدتاً از طریق فضای مجازی بر عهده این‌ها بود. همدانطور که در بیانیه سوم سازمان اطلاعات سپاه اشاره شد، حداقل ۱۰۰ سرویس اطلاعاتی به‌طور مستقیم در این آشوب نقش داشتند که در این میان نقش واحد ۸ هزار ۲۰۰ سرویس اطلاعات نظامی ارتش رژیم از طریق به‌کارگیری تعداد محدودی کاربر حقیقی و میلیون‌ها ربات در بستر فضای مجازی قابل توجه است.

در این رابطه یکی از مقامات امنیتی رژیم صهیونیستی، صراحتاً به بخش‌هایی از برنامه‌های عملیاتی برای پشتیبانی اطلاعاتی و میدانی از آشوبگران در مسلح کردن برای انجام ترورهای هدفمند اشاره کرده و می‌گوید: «ما باید به مردم ایران کمک کنیم، به آنها اطلاعات بدهیم، بگوئیم بسیج کجاست، فرماندهان کجا می‌خوانند، خانواده‌های آنها کجا هستند، ما باید حتی به مردم اسلحه بدهیم.»

آماده برای شروع جنگی دیگر

در یک نگاه کلی، دوران تصدی حدوداً هشت الی ۹ ماهه سردار شهید خادمی به عنوان ریاست سازمان اطلاعات سپاه، یک دوره کوتاه اما بسیار حساس و تأثیر گذار بود. این سردار شهید پس از جانشینی شهید کاظمی (رئیس قبلی سازمان اطلاعات سپاه که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شهید شد) به سرعت کار را برای جلوگیری از اقدامات خصمانه دشمن آغاز کرد و شاه بیت این تلاش‌ها، مقابله با فتنه امریکایی - صهیونیستی در دی‌ماه سال گذشته بود. سپس شهید خادمی به همراه دیگر فرماندهان نیروهای مسلح، کشور را برای ایستادگی در برابر جنگی دیگر که پس از جنگ ۱۲ روزه بسیار محتمل به نظر می‌رسید، آماده کردند. این آمادگی همه سویه پس از تجاوز مشترک امریکا و اسرائیل به ایران به خوبی نمود یافت و اگر دیدیم چطور زرمندگان پاسخ تجاوز دشمن را ظرف دو ساعت دادند، همگی حاصل تلاش و زحمات سرداران شهیدی چون مجید خادمی و دیگر فرماندهان شهید است.

دبلیومات‌های اروپایی در یک نشست محرمانه قرار بود «در گام اول نتیجه بخشی این مراحل، شاهد اشتعال اعتراضات، اغتشاشات و جنگ به صورت غیرمتمرکز و خارج از پایتخت، در گام دوم چرخش بحران به مرکز و پیرامون مرکز و در گام سوم، پیشروی نهایی به سمت بیرون از پایتخت باشیم. همچنین اینگونه طرح‌ریزی شده بود که انواع دودستگی و انشقاق بین ساختاری و دستگاه‌های امنیتی و از کان حاکمیت شکل گیرد» که باز هم تیر آنها به سنگ خورد.

مقابله با «سرویس اطلاعاتی

سردار شهید خادمی همچنین در پاسخ به این سؤال که تحلیل شما از نقش سرویس‌های امنیتی دشمن در فتنه دی ماه چیست؟ و چند

مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران با ایستد، به زودی باید شاهد افول نفوذ و قدرت متحد راهبردی خود در منطقه باشد. این آشوب، مقدمه و پیش‌زمینه حمله نظامی مجدد به کشور و تداوم تلاش برای تسلیم‌سازی ملت ایران ذیل راهبرد فوق به شمار می‌رفت که با هوشیاری مردم و تلاش تمامی نهادهای نظامی و امنیتی ناکام ماند. در واقع دشمن، تمامی ابزارها و امکانات در سطوح اطلاعاتی و عملیاتی خود را برای بالا بردن میزان اثربخشی این آشوب به کار گرفته بود، تا حدی که باز هم، مقامات رسمی غربی، برای حمایت و تحریک آشوبگران آشکارا به صحنه آمدند. بر اساس اظهار نظر یکی از



جواد محرمی
دشمن صهیونیستی که در جنگ تحمیلی رمضان با حضور حماسی مردم ایران در کف خیابان خود را در اهداف براندازانه شکست خورده دید بار دیگر دست به ترور یکی از فرزندان دلیر این خاک مقدس زد و سردار سرتیپ پاسدار «مجید خادمی» را که سال گذشته با حکم فرمانده معظم کل قوا به ریاست سازمان اطلاعات سپاه منصوب شده بود در روز ۱۷ فروردین ماه ترور کرد و به شهادت رساند. سردار خادمی که پیش از آن مسئولیت سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را بر عهده داشت، جایگزین سردار «محمد کاظمی» شده بود که وی نیز خرداد سال گذشته در حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران، به شهادت رسیده بود. موج ترور شخصیت‌های امنیتی و اطلاعاتی نشان می‌دهد: دشمن صهیونیست بر اختلال شبکه امنیتی کشور تمرکز نموده و حساب ویژه‌ای از این طریق برای برون‌رفت و نجات از نابودی انجام می‌دهد. سید اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات نیز اخیراً در اقدامی تروریستی به شهادت رسیده بود.

سرداری که دشمن از نامش وحشت داشت

نام سردار مجید خادمی هر چند قبل از تصدی سمت فرمانده سازمان اطلاعات سپاه برای عموم مردم چندان شناخته شده نبود اما این سردار شهید سپاه، حداقل چهار دهه سابقه خدمت در رده‌های مختلف نظامی و اطلاعاتی را بر عهده داشت و به همین ترتیب از او به عنوان یک فرمانده مقتدر و در عین حال خدوم در سازمان اطلاعات سپاه یاد می‌شد. ترور سردار خادمی وسط جنگی که رژیم صهیونی را زیر کوبنده‌ترین ضربات نیروهای مسلح کشورمان قرار داده از اهمیت این سردار بزرگ در خنثی‌سازی توطئه‌های اطلاعاتی و امنیتی حکایت می‌کند. حضور مقتدرانه و هوشمندانه این سردار در جریان کودتای دی ماه سال گذشته که باعث شکست این فتنه بود غیر قابل انکار است. آنچه روشن است این نکته که دشمن سعی می‌کند با این ترورها مغز اطلاعاتی کشور را از کار بیندازد تا بتواند فضای تنفس و مانور نیروهای نفوذی در داخل را باز کند. فارغ از جنگ تمام عیار رمضان، متأخر ترین و مهم‌ترین اثر گذاری سردار خادمی را باید در مقابله با کودتای دی‌ماه سال گذشته جست‌وجو کرد. رجوع به بیانات رهبر شهیدمان که در دیدار مردم آذربایجان شرفی با تشریح ابعاد این واقعه و تأکید بر ضرورت تحلیل ابعاد آن از سوی اهل فکر و تحلیل بیان شد می‌تواند به درک بهتر اهمیت مأموریت مدیران امنیتی و تلاش دشمن برای حذف آنها کمک کند.

«راجع به این فتنه، من در یک کلمه به شما بگویم: عزیزان من! آنچه اتفاق افتاد، یک «کودتا» بود که شکست خورد. اینجور نبود که فرض کنیم یک عده جوان یا غیر جوان در یک جایی عصیان شدند، حرکتی کردند، اقدامی کردند، اعتراضی کردند یا اغتشاشی کردند؛ نه، پیش از این حرف‌ها بود، کودتا بود، منتها این کودتا زیر پای ملت ایران له شد... دشمن چه قبول کند، چه قبول نکند، این کودتایی که با این همه زحمت، با این همه خرج، با این همه پیش‌بینی، آن را داخل کشور فراهم کرده بودند، به خاک نشست و شکست خورد و ساقط شد. این اتفاقی بود که افتاده. قضیه، قضیه مهمی است، قضیه کوچکی نیست.»

مقابله با یک کودتای امریکایی

سردار خادمی در گفت‌وگوی دوماه پیش و اواخر بهمن با پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، ابعاد مختلفی از کودتای نافرجام دی ماه را تشریح کرده بود. بازخوانی ابعاد مختلف حوادث دی‌ماه از زبان وی اهمیت حضور خیابانی مردم در این شب‌ها هم‌زمان با نبرد متقارن میدانی با دو نیروی متخاصم امریکا و اسرائیل را ملموس تر می‌کند. شهید خادمی در پاسخ به این سؤال که رهبر انقلاب از وقایع اخیر به عنوان کودتا و شبه کودتا یاد کردند، نظر شما در این مورد چیست و تفاوت‌ها و شباهت‌های ماجرای اخیر با کودتا چیست اینگونه اظهار نظر کرده بود: «گر کودتا را «حالت قهر امنی خارجی (نیمه‌سخت و سخت) با هدف براندازی دولت یا حکومت مستقر یا استفاده از نیروهای نیابتی» بدانیم، آن وقت خواهیم دید که اتفاقاً فتنه و آشوب دی ماه، واقعا چیزی شبیه کودتاست. شبیه آنچه که قبلاً در سال ۱۳۲۲ و در کودتای ۲۸ مرداد یا در چند دهه اخیر در کشورهای مختلفی آسیایی و امریکایی لاتین دیده‌ایم. یک‌واحد مشاوران و نزدیکان رئیس‌جمهور امریکا در یک نشست به صراحت بیان داشته که «هدف کلی این است که امریکا به جای مداخله نظامی مستقیم، روندی را تسهیل کند که به‌گذار به یک ایران حامی غرب بینجامد. اقدامات غیر نظامی برای نیل به این هدف با محوریت: ۱. تزریق منابع مالی و اطلاعاتی به نیروهای ضد جمهوری اسلامی ایران در داخل ایران از سوی امریکا، ۲. کمک امریکا به سازماندهی و توانمندسازی گروه‌های مخالف، ۳. قرار دادن قابلیت‌های ارتباطی امن و حمایت لجستیکی در اختیار مخالفین از سوی امریکا، ۴. حفظ و تشدید فشار اقتصادی و ۵. همکاری بین اروپا و رژیم صهیونی برای تشکیل یک ائتلاف گذار ایران، باید سازماندهی شود.»

اقدامات سردار برای مقابله با آشوب‌ها

به گفته سردار خادمی عملیاتی‌سازی پروژه دشمن در دی ماه سال گذشته، به چند ماه برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی نیاز داشت. تلاش‌های دشمن برای ایجاد و تثبیت حالت انتظار «نه جنگ و نه صلح» و معترس‌سازی سپاه جنگ در کنار ایجاد تکانه‌ها و فشار اقتصادی به کشور برای بهره‌گیری از زمینه‌های موجود در کشور، در همین راستا تحلیل می‌شود. هم‌زمان از سویی عملیات شناختی چند لایه و بالا بردن سطح خسونت در محیط فضای مجازی و از سوی دیگر، شبکه‌سازی گسترده در شبکه‌های اجتماعی در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی قرار گرفت تا یک سلسله مشخص، امکان «ضربه بزرگ» فراهم شود.

رابطه ۲ مقام شهادت و گمنامی

امکان شناخت عمیق جنبه‌های وجودی او را میسر خواهد بود. اساساً سربازان گمنام واقعی امام‌زمان (ع) آن دسته از شهدا هستند که پیش از دیگر شهدا مظلومیت را به جان خریدند. شهید مجید خادمی یکی از این گمنامان جهاد و ایثار در عرصه امنیت کشور است. او دیگر پس از شهادت به آن معنا برای جامعه ما گمنام نخواهد بود و خون بر زمین ریخته او ضامن و زمینه‌ساز شناخت ابعاد شخصیتی و معنوی وی خواهد بود. ان‌شاءالله

تصریح رهبر و بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) از مردم زمان رسول‌الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به مراتب بهتر و بصیرتر هستند. این مقدمه بهانه‌ای بود برای سخن گفتن درباره سرداری که در جنگ تحمیلی سوم از سوی رژیم صهیونیستی ترور شد و به شهادت رسید. سرداری که به معنای واقعی کلمه در طول حیات طیبه خود همچون سرباز گمنام امام زمان (ع) در حرسات از امنیت ایران سر از پای نشناخت و جامعه اسلامی ما زین پس

ایشان بی خواهند برد و به همین وسیله بیش از قبل از برکت میراث وجود معنوی آنها کسب فیض خواهند کرد. پس همه شهدا کم و بیش در زمان حیات در حجابی از گمنامی قرار دارند چراکه کمتر جامعه‌ای توان ظرفیت و قدرت درک عظمت روحی شهدا در زمانی که ایشان حضور خاکی و زمینی دارند را برای خود میسر می‌کند و البته باید آن بخش پر حجم و پر دامنه مؤمنین جامعه ایران را یک استثنا دانست و از کل تاریخ بشر متمایز دید. مردمی که به

آن هم به مرور درک واقعی بخشی از عظمت شخصیت و بزرگی روح ایشان برای جامعه نمود پیدا کرد با این حال عده محدودی از شهدا حتی در زمان حیات هم این سعادت را داشته‌اند که بخش قابل توجهی از جامعه معنوی آنها را درک کنند و در این باره رهبر شهید ما و نیز حاج قاسم سلیمانی دو مثال عینی و غیر قابل انکار در این ساخت هستند هر چند جامعه پس از شهادت این دو عزیز به‌طور قطع بیش از گذشته و به‌طور مضافی به ابعاد معنوی

گمنامی برای یک فرد جداگانه که اخلاص او سبب می‌شود، کار را فقط برای دیده‌شدن در محضر الهی انجام دهد نه به انگیزه برجسته‌شدن در نظر عالم مادی مرتب‌ای است که همه شهدا به آن نائل آمده‌اند و حتی آن دسته از شهدایی که مانند امیرالمؤمنین (ع) شخصی شناخته شده و مشهور در جامعه بودند در زمان حیات دنیوی حجاب‌های چشم‌پوشی بر عظمت روح ایشان سپاه انداخته و از این منظر در گمنامی به سر می‌برند و صرفاً پس از شهادت و